

جنبش مشروطه با چالشی که در ساختارهای سنتی جامعه ایران ایجاد کرد نوید ایجاد تغییری بزرگ را در ایران می داد تا آرزوی دیرین ایرانیان در شکل گیری دولتی قدرتمند را به کرسی نشاند. منورالفکران عصر مشروطه به دنبال همگرایی سنت و مفاهیم جدید سعی داشتند با جنبش اصلاحی را از درون فضای فکری و سیاسی ایران به پیش ببرند. اما شرایطی پیش آمد که دیدگاه خود را تغییر دادند. پرسش این تحقیق اینست که علت چرخش فکری روشنفکران ایرانی از مشروطه خواهی به اقتدارگرایی و حمایت از دولت مقتدر رضا شاه چه بود؟

به نظر پژوهشگر، با ناکامی هایی که برای جنبش مشروطه پیش آمد و هرج و مرج و بی ثباتی گسترش یافت، تعدادی از روشنفکران ایرانی در اظهار نظرهای بی سابقه ای چرخشی بنیادی از مشروطه خواهی به دولت مطلقه خواهی داشتند و در جستجوی نظم و امنیت به فکر ظهور منجی و دولتی بودند که به زور نظم ایجاد کند و خواسته های اصلاحی آنان را به نتیجه رساند.

در نتیجه کسانی به مانند تقی زاده، داور، فروغی و حکمت با تاکید بر ساخت مقتدرانه ایران نوین، آرمانهای مشروطه خواهی را کنار گذاشتند و تجدد گرایی و نوساز گرایی را در ایران طرح نمودند. سالهای ۱۲۹۰ تا ۱۳۰۵ نقطه اوج خاستگاه های روشنفکران ایرانی به منظور تحول ایران مدرن بود که در این تحقیق به آن خواهیم پرداخت.

کلیدواژگان: چرخش فکری، روشنفکران ایرانی